



## تحلیل و بررسی واژگانی صبر در قرآن

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی  
دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران.

سمیه شیرزور \* ID

### چکیده

بی‌گمان یکی از خصلت‌ها و فضیلت‌های انسانی تحمل و بردباری بر مشکلات و سختی‌هایی است که از هر سو به انسان هجوم می‌آورد. انسان زمانی می‌تواند در برابر سختی‌ها و مصیبت‌ها خود را بیمه نماید و با هر مصیبتی جزع و فرج نکند که از خصلت صبر برخوردار باشد. این خصلت در آموزه‌های قرآنی به‌عنوان یکی از برترین فضایل انسانی شمرده و دارندگانش به بزرگی ستوده و تکریم شده‌اند. از کسانی که در گروه صابران مورد ستایش و تجلیل قرار گرفته‌اند، پیامبران بزرگ خداوند هستند که به جهاتی چند به داشتن این خصلت و فضیلت ستوده شده و در قرآن از ایشان به این صفت گرامی داشته شده‌اند. با توجه به نگرش منفی و گاه تحلیل و تبیین نادرست مفهوم صبر، برداشت‌های ناروایی از آن شده که این خصلت را از فضیلت گاه به حد ردیلت فرو می‌کاهد و به‌جای آن که بستری برای کمال انسانی باشد خود عاملی بازدارنده و مانعی بزرگ برای آن به شمار می‌آید. از این‌رو بازخوانی مفهوم صبر بر پایه آموزه‌های قرآنی ضرورتی است که می‌بایست انجام پذیرد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل، واژه صبر، قرآن، بردباری، استقامت.

## مقدمه

در تاریخ کسان بسیار دیگر به غیر از پیامبران) ع (بودند که در صبر و شکیبایی اسوه‌های کاملی برای بشریت می‌باشند. از این میان می‌توان از حضرت زینب) س (یاد کرد که وی نه تنها در میدان کربلا جلوه‌هایی از صبر قرآنی را نشان داد بلکه در تمام طول زندگی خویش در کنار مادر در دفاع از ولایت کبریا، در کنار امیرمؤمنان) ع (در برابر قاسطین و ناکثین و مارقین، در کنار حسن مجتبی در برابر خودفروشان اهل دین و در کنار سجاد برای دفاع از امامت و حریم ولایت ایستادگی و پایداری ورزید، نمونه‌ای عینی از صبر و مفهوم درست و واقعی از حقیقت آن را نشان داد.<sup>۱</sup>

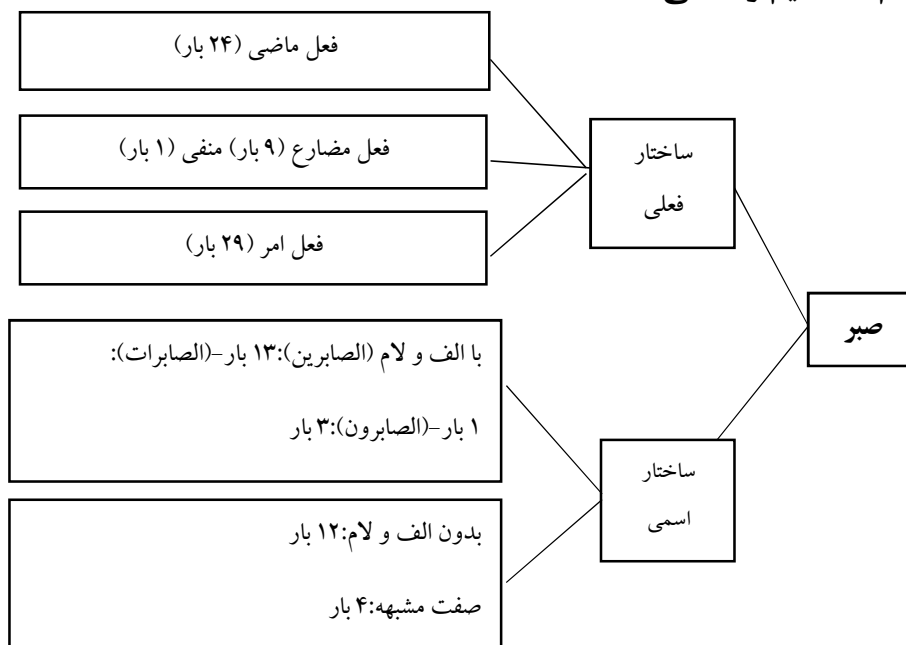
در قرآن واژه صبر ۱۰۰ بار در ۹۳ آیه و ۲۵ سوره به کار رفته که نشان از اهمیت ویژه‌ی این حرکت اخلاقی از دیدگاه دین مبین اسلام و قرآن کریم دارد. در این بخش می‌خواهیم با طرح پرسش‌هایی پیرامون صبر، نگاه تدبیری به این موضوع داشته باشیم. این درس به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد: صبر چیست اهمیت و ضرورت صبر چیست موانع صبر چیست صابران چه کسانی هستند صبر چه نتایجی در بر دارد پاداش صابران چیست چگونه می‌توانیم صبر خود را افزایش دهیم.

انتظار می‌رود در پایان این مقاله به اهداف زیر دست یابید: با مفهوم صبر در قرآن و روایات آشنا شوید با توجه به پاداشی که خداوند متعال در قرآن برای صابران در نظر گرفته است انگیزه شما برای صبر بیشتر شود با شناخت موانع صبر آن‌ها را از پیش رو بردارید و خود را هر چه بیشتر به صابران نزدیک نمایید به پرسش‌هایی که پیرامون صبر است با نگاه متدبرانه پاسخ دهید.

---

۱ - برگرفته از مقاله صبر در آموزه‌های قرآن نوشته آقای خلیل منصوری.

## کام ۲: تنظیم واژگانی



### یکم: چیستی صبر

#### صبر در لغت

صبر در لغت به حبس (بازداشتن)، امساک و در محدودیت قرار دادن اطلاق می‌گردد؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق) در اصطلاح علم اخلاق به حفظ نفس از اضطراب، اعتراض و شکایت و همچنین به آرامش و طمأنینه (مصطفوی، ۱۳۶۰) صبر موارد مختلفی دارد، از جمله: صبر در خودداری از سخن گفتن را "کتمان" و صبر در اجتناب از خوردن و آشامیدن را "صوم (روزه)" گویند. (مفردات فی غریب القرآن، ص ۴۷۴ و لسان العرب، ج ۴، ص ۴۳۸).

بازداشتن خود از عملی که مانع رسیدن به هدف یا موجب تأخیر در رسیدن به هدف می‌شود.

صبر: الصبر: نقيض الجزع. و الصبر: نصب الإنسان للقتل، فهو مصبور و صبوره أي نصبوه للقتل. و الصبر أخذ يمين إنسان (کتاب العين، ج ۷، ص: ۱۱۵)

الصَّبْر - شکیبایی و صبر بر سختی‌ها «قُتِلَ صَبْرًا»: شخص بازداشت و زندانی و کشته شد «الصَّبْرُ الجمیل»: نیروی مقاومت و صبر «شَهْرُ الصَّبْرِ»: ماه روزه‌داری (رمضان) «یَمینُ الصَّبْرِ»: سوگند که بر سر آن شخص را بازداشت کنند تا سوگند خورد. (فرهنگ اُجدی عربی-فارسی، ص: ۸۳)

هرگاه کسی خویشتن را از فعلی اختیاری بازدارد صبر کرده است. صبر شکیبیدن. شکیبایی. شکیبایی کردن. پائیدن. نقیض جزع (لغتنامه دهخدا، حرف صاد) صبر در لغت، نفس حبس راست از بیتابی و جزع در اموری که ناگوار است و منع می‌کند باطن را از اضطراب و ظاهر را از حرکات غیر عادی ناصواب. (تسلیه العباد در ترجمه مسکن الفواد، ص ۱۰۲)

صبر در لغت عرب به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قراردادن است. (تاج العروس، ج ۷، ص ۷۱؛ مفردات، ص ۴۷۴؛ لسان العرب، ح ۴، ص ۴۳۸) برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری دانسته‌اند. (صحاح اللغة، ح ۲، ص ۷۰۶؛ مجمع البحرین: ج ۲، ص ۱۰۰۴)

صبر: (به فتح با و را) (کفیل شدن، شکیبایی، انتظار با آرامش کشیدن، در کاری ثبات و بردباری ورزیدن، خویشتن‌داری کردن الصبر: (به فتح صاد و سکون با) (نگهداشتن خود از بیتابی، نگهداشتن زبان از گلایه و شکایت، شکیبایی، بردباری واژه صبر را با سه نوع نگارش می‌توان در لغت‌نامه مشاهده نمود:

صبر: بردباری کرد - شکیبایی کرد

سبر: آزمایش کرد - بررسی کرد

ثبر: طرد کرد - ناامید کرد

با بررسی عمیق این سه نوع نگارش می‌توان به یک نتیجه رسید و آن این مطلب است که در واقع هر سه نوع نگارش آن‌ها به دنبال هم و دارای یک معنی می‌باشند و نکته مهم در اینجا این است که معمولاً سبر به دنبال وقوع یک آزمایش ایجاد می‌شود و پس از هر آزمایشی در فرد صاحب ثبر به نوعی احساس طردشدگی و ناامیدی ایجاد می‌شود ولیکن او

که صبر را در درون خود به زیبایی پرورش داده است راه بردباری و شکیبایی را در پیش می‌گیرد و به مقام صابریین که خداوند بیان کرده است می‌رسد.

## صبر در اصطلاح

### معنای اصطلاحی

علمای علم اخلاق هر کدام معنا و تعریفی از صبر بیان داشته‌اند که در این مجال تعدادی از آن‌ها آورده می‌شود.

صبر عبارت است از ثبات انگیزه دین در مقابل شهوت. (اخلاق، ص ۳۵۹)

صبر را در معنای عام آن می‌توان این‌گونه تعریف کرد: بازداشتن خود را از عملی که مانع رسیدن به هدف و یا موجب تأخیر در رسیدن به هدف می‌شود.

صبر در این معنا، خودبه‌خود فضیلتی اخلاقی نیست، بلکه مقاومتی است که ناشی از تسلط فرد بر خویشتن است. این مقاومت در صورتی از لحاظ اخلاقی فضیلت خواهد بود که هدف شخص صابر، کمال اخلاقی و تقرب به خداوند باشد و صبر در برابر چیزی صورت گیرد که با کمال اخلاقی و تقرب خداوند در تعارض و تقابل باشد. ارزش اخلاقی صبر بسته به هدفی است که صبر به‌منظور آن صورت می‌گیرد. در مبحث «روابط انسان با خداوند، مقصود از صبر، نوعی مقاومت در برابر عواملی است که رابطه انسان با خدا را سست می‌کنند و او را از دایره ایمان به لحاظ نظری یا عملی خارج می‌سازند. (آموزه‌های بنیادین علم اخلاق ۱، ص ۱۲۰)

صبر عبارت است از: ثبات نفس و اطمینان آن و مضطرب نگشتن آن در بلا یا و مصائب و مقاومت کردن با حوادث و شداید، به‌نحوی که: سینه او تنگ نشود. و خاطر او پریشان نگردد. و گشادگی و طمأنینه که پیش از حدوث آن واقعه است زوال نپذیرد. پس زبان خود را از شکایت نگاهدارد. و اعضای خود را از حرکات ناهنجار محافظت کند. و این صبر در شداید است که ضد آن جزع است. (معراج السعاده، ۲۳۰)

چیزی که هست معنای صبر این نیست که انسان خود را آماده هر مصیبتی نموده صورت خود را بگیرد تا هر کس خواست سیلی‌اش بزند، نه، معنای صبر - که یکی از

فضایل است - این نیست که آدمی چون زمین مرده زیردست و پای دیگران بیفتد مردم او را لگدکوب کنند و مانند سنگ دم پا بازیچه‌اش قرار دهند، زیرا خدای سبحان آدمی را طوری خلق کرده که به حکم فطرتش خود را موظف می‌داند هر مکروهی را از خود دفع نماید و خدا هم او را به وسایل و ابزار دفاع مسلح نموده تا به قدر توانائی‌اش از آن‌ها استفاده کند و چیزی را که این غریزه را باطل و عاقل سازد نمی‌توان فضیلت نام نهاد. بلکه صبر عبارت است از اینکه انسان در قلب خود استقامتی داشته باشد که بتواند کنترل نظام نفس خود را - که استقامت امر حیات انسانی و جلوگیری از اختلال آن بستگی به آن نظام دارد - در دست گرفته، دل خود را از تفرقه و نسیان تدبیر و خبط فکر و فساد رأی جلوگیری کند.

پس صابران آن‌هایی هستند که در مصائب استقامت به خرج داده و از پا در نمی‌آیند و هجوم رنج‌ها و سختی‌ها پایشان را نمی‌لغزاند، به خلاف غیر صابران که در اولین برخورد با ناملایمات قصد هزیمت می‌کنند و آن‌چنان فرار می‌کنند که پشت سرخود را هم نگاه نمی‌کنند (تفسیر المیزان ۱۱، ص ۳۳۳)

خواجه نصیرالدین طوسی (رحمه الله) در معنای صبر می‌فرماید: صبر، بازداشتن نفس از بی‌تابی در برابر ناملایمات و مصائب است. صبر باطن را از اضطراب و زبان را از شکایت و اعضا و جوارح را از حرکات غیرعادی بازمی‌دارد. (زیبایی‌های اخلاق، ص ۱۴۷)

صبر مقاومت نفس در برابر هواست. به عبارت دیگر صبر پایداری انگیزه دینی در برابر انگیزه‌های مخالف است انگیزه عاملی است که فاعل مختار را تحریک به انجام فعلی می‌کند. بعضی افعال به انسان کمک می‌کنند تا به کمال اخلاقی و قرب خداوند نائل شود و برخی مانع و مزاحم کمال او هستند. پس باید از افعالی که مزاحم کمال ما هستند خودداری کنیم و به عبارت دیگر، در برابر انگیزه‌های این‌گونه افعال مقاومت نماییم؛ یعنی صبر کنیم. (آموزه‌های بنیادین علم اخلاق ۱، ص ۱۲۲)

در آیات قرآن نیز این معنا به خوبی دیده می‌شود.

وَلَنْبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵) قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و

میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۱۵۶)

آن‌ها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خدائیم؛ و به سوی او بازمی‌گردیم .

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۱۵۷)

این‌ها، همان‌ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آن‌ها هستند

هدایت‌یافتگان! (بقره آیات ۱۵۷-۱۵۵)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنبُوْتَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱) آن‌ها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آن‌ها می‌دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن‌هم بزرگ‌تر است اگر می‌دانستند!

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۴۲)

آن‌ها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند و تنها بر پروردگارشان توکل

می‌کنند. (نحل آیات ۴۲-۴۱)

### دوم: اهمیت و ضرورت صبر:

صبر برای رسیدن به هر مقصود و مرادی ضروری و لازم است. مثلاً: هیچ شاگرد، استاد، مخترع، صاحب فنون، تاجر و ... به مقصد و مراد خویش نخواهند رسید مگر به وسیله صبر و ثبات قدم. هر کسی به مقدار استقامت و صبر در مقابل مشقت‌ها و رنج و الم‌ها به آرزو و خواسته‌های خود خواهد رسید.

با توجه به ارزش والای صبر، قرآن در آیات متعددی با عبارت (الله مع الصابرين - إن الله يحب الصابرين - وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ - وَ لَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ - وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَ ...) به انسان‌ها مژده می‌دهد که خداوند با صابران همراه است و آنان را بسیار

دوست دارد (ر. ک. بقره/۱۵۵-۱۵۷، هود/۱۱، رعد/۲۳ و ۲۴ و آل عمران/۱۴۶) و اسرار صبر را خاطر نشان می‌کند.

همچنین در بیان علت رسیدن بعضی از بنی اسرائیل به مقام امامت و هدایت مردم می‌فرماید: وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند، چون شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند. (سجده/۲۴)

در این آیه صبر را از مقدمات رسیدن به مقام پیشوایی شمرده و انسان را در مقام قرب الهی تا جایی بالا می‌برد که شایستگی امامت بر مردم را پیدا می‌کند که خود دلیلی آشکار بر ارزش والای صبر در راه خداست. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵) در ادامه با اشاره به پاداش صبر از سوی خداوند متعال بیشتر به ضرورت و اهمیت صبر پی خواهید برد.

### سوم: صابر کیست: (ویژگی‌های صابران)

#### مصادیق صبر و صابران

در قرآن کریم مصادیق زیادی برای صبر و صابران ذکر شده که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

#### ۱. صبر و پایداری انبیاء (ع)

قرآن کریم سرگذشت پیامبران الهی را به‌عنوان الگوی صبر و استقامت بیان نموده و می‌فرماید:

«وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا...» (آل عمران/۱۴۶)

«چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگ کردند، آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آن می‌رسیدند، سست نشدند و ناتوان نگردیدند و تن به تسلیم ندادند...»



خداوند در این آیه برای تشویق و ترغیب مؤمنان به سوی جهاد، از سرگذشت پیامبران گذشته و صبر و پایداری آنان در راه خدا و تحمل سختی‌های جدال با دشمنان خبر می‌دهد تا مؤمنان از آنان سرمشق بگیرند و در مقابل مشقات جنگ، سست نشوند. (بانوی اصفهانی امین، ۱۳۶۱ ش، ج ۳، ص ۲۸۸)

یک نمونه از سخنان انبیا در آیه ۱۲ سوره ابراهیم نشان‌دهنده صبر این بزرگواران در برابر آزارها بوده است:

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۲) و چرا بر خدا توکل نکنیم، با اینکه ما را به راه‌های (سعادت) رهبری کرده است؟! و ما به‌طور مسلم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد (و دست از رسالت خویش بر نمی‌داریم)! و توکل کنندگان، باید فقط بر خدا توکل کنند!

## ۲. صبر مجاهدان

یکی از مصادیق بارز صبر، صبری است که مجاهدان در راه خدا در میادین نبرد حق، علیه باطل از خود نشان داده و با صبر خود بر دشمن غلبه نموده‌اند:

«كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۲۴۹)

«چه بسیار گروه اندکی که به یاری و اذن خدا بر گروه بسیاری غلبه کرده است و

خداوند با صابران است.»

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ

الصَّابِرِينَ (۴۶)

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست

نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با

استقامت کنندگان است!

وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَ رِئَاءَ النَّاسِ وَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ

اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۴۷)

و مانند کسانی نباشید که از روی هوی پرستی و غرور و خودنمایی در برابر مردم، از سرزمین خود به (سوی میدان بدر) بیرون آمدند؛ و (مردم را) از راه خدا بازمی‌داشتند؛ و سرانجام شکست خوردند) و خداوند به آنچه عمل می‌کنند، احاطه (و آگاهی) دارد!

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۶۴)

ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، برای حمایت تو کافی است؛ فقط بر آن‌ها تکیه کن!

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آن‌ها گروهی هستند که نمی‌فهمند!

الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶)

هم‌اکنون خداوند به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند؛ و اگر یک هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است! (انفال/۶۶-۴۶)

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۲۴۹)

و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی‌اسرائیل منصوب شد) و سپاهیان را با خود بیرون برد، به آن‌ها گفت: «خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می‌کند؛ آن‌ها (که به هنگام تشنگی)، از آن بنوشند، از من نیستند؛ و آن‌ها که جز یک پیمانه با

دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند» جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او و افرادی که با او ایمان آورده بودند، (و از بوته آزمایش، سالم به درآمدند)، از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرات خود، ناراحت شدند؛ و عده‌ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با (\*جالوت\*) و سپاهیان او را نداریم.» اما آن‌ها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان) است. (بقره/۲۴۹)

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲۳)

خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت)؛ درحالی که شما (نسبت به آن‌ها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر نکنید) تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید!

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ (۱۲۴)

در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟!»

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (۱۲۵)

آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! (آل عمران/۱۲۵-۱۲۳)

این آیات به‌خوبی نشان می‌دهد که آنچه در جهاد با دشمن اهمیت دارد، زیادی تعداد نفرات نیست؛ بلکه ایمان به یاری خدا، اطاعت از فرمان خدا و پیامبر و صبر در برابر مشکلات جهاد است که نتیجه‌ی جنگ را تعیین می‌کند.

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِجْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۲۵۰) و هنگامی که در برابر (\*جالوت\*) و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگارا! پیمانۀ شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدم‌های ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان!» (بقره/۲۵۰)

### ۳. صبر در برابر دسیسه‌ها

صبر در برابر دسیسه‌های دشمنان از دیگر مصادیق صبر است که قرآن کریم از آن یاد نموده و مؤمنان را به آن سفارش کرده است:

«إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا» (آل عمران/۱۲۰)

«اگر نیکی به شما رسد، ناراحت می‌شوند و اگر حادثه‌ی ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌گردند؛ اما اگر (در برابر آن‌ها) استقامت و پرهیزکاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه‌ی) آن‌ها به شما زیانی نمی‌رساند.»

خداوند در این آیه به مؤمنان آموزش می‌دهد که با مسلح شدن به صبر و تقوا هیچ‌گونه آسیبی از ناحیه‌ی دشمنان به آن‌ها کارساز نخواهد شد؛ چراکه با این سلاح از تصمیم‌های عجولانه پرهیز نموده و به درستی تدبیر می‌نمایند و این چیزی جز محفوظ ماندن از کید دشمنان نیست. (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۵، ص ۳۰۷).

### ۴. صبر در برابر تکذیب کنندگان

از مواردی که قرآن کریم برای تشویق و ترغیب به روحیه‌ی صبر از آن یاد نموده، ذکر صبر و شکیبایی انبیاء گذشته در برابر تکذیب کفار عصر خود می‌باشد:

«قَدْ عَلِمَ إِنَّهُ لِيَحْزَنَكَ الَّذِي يَتُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ... وَ لَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ آتَاهُم نَصْرُنَا» (انعام/۳۳-۳۴)

«ما می‌دانیم که گفتار آن‌ها، تو را غمگین می‌کند، ولی (غم مخور! و بدان که) آن‌ها تو را تکذیب نمی‌کنند... پیامبرانی پیش از تو نیز تکذیب شدند و در برابر تکذیب‌ها صبر و

استقامت کردند و (در این راه) آزار دیدند، تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید، (تو نیز چنین باش).»

پیامبر اسلام (ص) در گفتگوهای منطقی و مبارزات فکری که با مشرکان لجوج داشت، گاهی از شدت لجاجت آنها و عدم تأثیر سخن در روح آنان و گاهی از نسبت‌های ناروایی که به ایشان می‌دادند، غمگین و اندوهناک می‌شد؛ اما خداوند برای دلداری پیامبر به ذکر مشکلات انبیاء گذشته و شکیبایی آنان در برابر دشمنان می‌پرداخت تا با دلگرمی و صبر و استقامت بیشتر، برنامه‌ی خویش را تعقیب کند. (تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۰۹)

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمَا مَوْسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳) آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سوی دعوت می‌کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند.

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيًا بَيْنَهُمْ وَكَوْ لَا كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَيْهِ أَجَلَ مُسَمًّى لَفُضِي بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۴)

آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد؛ و این تفرقه جویی به خاطر انحراف از حق (و عداوت و حسد) بود؛ و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر نشده بود که تا سرآمد معینی (زنده و آزاد) باشند، در میان آنها داوری می‌شد؛ و کسانی که بعد از آنها وارثان کتاب شدند نسبت به آن در شک و تردیدند، شکی همراه با بدبینی!

فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ  
وَ أَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ  
يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵)

پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و  
آنچنان که مأمور شده‌ای استقامت نما و از هوی و هوس‌های آنان پیروی مکن و بگو: «به  
هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند  
پروردگار ما و شماست؛ نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما،  
خصومت شخصی در میان ما نیست؛ و خداوند ما و شما را در یکجا جمع می‌کند و  
بازگشت (همه) به سوی اوست!» (شوری/۱۵-۱۳)

در سوره انعام نیز خداوند متعال برای دلداری پیامبر مکرم اسلام (ص) از انبیا گذشته  
یاد نموده و از ایشان می‌خواهد که مانند گذشتگان صبر پیشه کنند.

وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَ أَوْدُوا حَتَّىٰ آتَاهُمْ نَصْرُنَا وَ لَا  
مُبدَلٍ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ لَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِإِ الْمُرْسَلِينَ (۳۴)

پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ و در برابر تکذیب‌ها، صبر و استقامت کردند؛  
و (در این راه)، آزار دیدند تا هنگامی که یاری ما به آن‌ها رسید. (تو نیز چنین باش! و این،  
یکی از سنت‌های الهی است)؛ و هیچ چیز نمی‌تواند سنن خدا را تغییر دهد؛ و اخبار پیامبران  
به تو رسیده است.

همچنین در سوره مبارکه انسان نیز پیامبر (ص) دعوت به صبر شده‌اند.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (۲۳) مُسْلِمًا مَا قَرَأَنَّا بِرَبِّكَ نَزْلًا كَرِيمًا  
فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (۲۴)

پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکبیا (و با استقامت) باش و از هیچ  
گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن!

در سوره غافر نیز پیامبر مکرم اسلام (ص) را به صبر دعوت می‌کند.

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ (۵۵)

پس (ای پیامبر!) صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حق است و برای گناهت استغفار کن و هر صبح و شام تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور! در سوره مبارکه قمر نیز پیامبران دعوت به صبر شده‌اند و عاقبت قوم تکذیب‌گر ثمود بیان شده است.

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (۲۳) طایفه ثمود (نیز) انذارهای الهی را تکذیب کردند، فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ (۲۴) و گفتند: «آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود! أَلْقَى الذُّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ (۲۵) آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده؟! نه، او آدم بسیار دروغگوی هوسبازی است! سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ (۲۶) ولی فردا می‌فهمند چه کسی دروغگوی هوسباز است!

إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَبِقْتُهُمْ وَاصْطَبِرْ (۲۷) ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می‌فرستیم؛ در انتظار پایان کار آنان باش و صبر کن! وَبَيَّنَّهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ (۲۸) و به آنها خبر ده که آب (قریه) باید در میانشان تقسیم شود، (یک روز سهم ناقه و یک روز برای آنها) و هر یک در نوبت خود باید حاضر شوند!

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (۲۹) آنها یکی از یاران خود را صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد!

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ (۳۰) پس (بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ (۳۱) ما فقط یک صیحه [صاعقه عظیم] بر آنها فرستادیم و به دنبال آن همگی به صورت گیاه خشکی درآمدند که صاحب چهارپایان (در آغل) جمع‌آوری می‌کند! وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۳۲) ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟!

در سوره مبارکه معارج نیز در برابر تکذیب گران قیامت پیامبر (ص) را دعوت به صبر می‌نماید.

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (۵) پس صبر جمیل پیشه کن،

### ۵. صبر در روابط با دیگران

انسان‌ها در زندگی خود با افکار و عقاید گوناگونی، موافق یا مخالف برخورد می‌کنند که به لحاظ اهمیت، انسان را به موضع‌گیری‌های متفاوتی وادار می‌کند؛ لذا قرآن کریم به مؤمنان سفارش می‌کند که برای مقابله با عقاید باطل و رفتار خشونت‌آمیز دشمنان اسلام، صبر پیشه کنند و به بهترین وجه به مقابله با آن‌ها برخیزند: (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۴۸۵)

«اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (فصلت/۳۴ و ۳۵)

«بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! اما جز کسانی که دارای صبر و استقامت‌اند، به این مقام نمی‌رسند و جز کسانی که بهره‌ی عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند، به آن نائل نمی‌گردند!»

در سوره بقره آیه ۱۷۷ خداوند متعال نیکی را به‌طور مفصل توضیح داده است و ویژگی‌های نیکوکاران را برشمرده است که صبر نیز یکی از آن ویژگی‌ها است:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ  
وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ  
بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۱۷۷)

نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز)، روی خود را به‌سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، درباره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن



سازید)؛ بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند؛ نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند؛ و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند؛ این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند؛ و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است)؛ و این‌ها هستند پرهیزکاران!

#### ۶- صبر در برابر انواع آزمایش‌های الهی:

وَ كَلْبُواكُمْ بَشِيءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرٍ الصَّابِرِينَ (۱۵۵) قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان (بقره/ ۱۵۵) وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (۱۶) و اینکه اگر آن‌ها [جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم!

لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷) هدف این است که ما آن‌ها را با این نعمت فراوان بیازماییم؛ و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب شدید و فزاینده‌ای گرفتار می‌سازد! (جن/ ۱۷-۱۶)

#### چهارم: انگیزه‌ی صبر

از نظر قرآن، صبر در صورتی ارزشمند است که به قصد تقرب و برای کسب رضای الهی باشد که خداوند صاحبان عقل را چنین ستوده است:

«إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ... وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ... أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد/ ۱۹ و ۲۲). «تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند... و آن‌ها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند... پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست»

این آیه به صفات اولوالالباب اشاره نموده که یکی از این صفات صبر بر مصائب در راه کسب رضای الهی است. (سبزواری نجفی، ج ۴، ص ۱۲۴)

### پنجم: موانع صبر:

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ آبَكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (۷)

او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید؛ و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت؛ (به خاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است! و اگر (به آن‌ها) بگویید: «شما بعد از مرگ، برانگیخته می‌شوید!»، مسلماناً کافران می‌گویند: «این سحری آشکار است!»

وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا يَجِيسُهُ آلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۸)

و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آن‌ها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا می‌گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟! آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید، از آن‌ها بازگردانده نخواهد شد؛ (و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود)؛ و آنچه را مسخره می‌کردند، دامانشان را می‌گیرد!

وَلَئِنْ أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَا مِنْهُ إِنِّهَ لَيُتُّوسٌ كَفُورٌ (۹)

و اگر از جانب خویش، نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، بسیار نوامید و ناسپاس خواهد بود!

وَلَئِنْ أَدْقْنَا نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ (۱۰)

و اگر بعد از شدت و رنجی که به او رسیده، نعمت‌هایی به او بچشانیم، می‌گوید: «مشکلات از من برطرف شد و دیگر باز نخواهد گشت!» و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می‌شود...

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۱)

مگر آن‌ها که (در سایه ایمان راستین)، صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند؛ که برای آن‌ها، آمرزش و اجر بزرگی است! (سوره‌ی هود آیات ۱۱-۷)

وَلِيْمَحِّصَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِيْنَ (۱۴۱)

و تا خداوند، افراد باایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند)؛ و کافران را به تدریج نابود سازد.

أَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوْا الْجَنَّةَ وَكَمْ يٰعَلَمُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ جَاهَدُوْا مِنْكُمْ وَيَعْلَمُ الصّٰبِرِيْنَ (۱۴۲)

آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟! (آل عمران/۱۴۲-۱۴۱)

در این آیات بعضی از موانع صبر برشمرده شده است: کفر-صحبت از روی استهزا-ناامیدی - ناسپاسی-غفلت- غرق شدن در شادی - فخرفروشی و ادعای ایمان که تمامی هر کدام از این صفات ایجادکننده صفت بعدی در فرد است. (به صورت زنجیروار) و در نهایت صابران را از این افراد جدا نموده و پاداش آنان را نیز آورده است.

در سوره مبارکه قصص نیز یکی از موانع صبر عجله و دنیاطلبی برشمرده شده است:

فَخَرَجَ عَلٰى قَوْمِهِ فِى زِينَتِهٖ قَالَ الَّذِيْنَ يُرِيْدُوْنَ الْحَيٰةَ الدُّنْيَا يٰ لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا اُوْتِيَ قَارُوْنُ اِنَّهُمْ لَدُوْ حَظٍّ عَظِيْمٍ (۷۹)

(روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آن‌ها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!»

وَ قَالَ الَّذِيْنَ اٰوْتُوْا الْعِلْمَ وَيُلِكُمْ ثَوَابُ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّمَنْ اٰمَنَ وَ عَمِلَ صٰلِحًا وَّ لَا يُلَقَّاهَا اِلَّا الصّٰبِرُوْنَ (۸۰)

اما کسانی که علم و دانش به آن‌ها داده شده بود گفتند: «وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی‌کنند.»

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ (۸۱)

سپس ما، او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند و خود نیز نمی‌توانست خویشتن را یاری دهد.

سوره مبارکه ص نیز به غرور به‌عنوان یکی از موانع صبر اشاره دارد.

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَلا تَجِئْنا بِمُناصِرٍ (۳)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آن‌ها هلاک کردیم؛ و به هنگام نزول عذاب فریاد می‌زدند (و کمک می‌خواستند) ولی وقت نجات گذشته بود!

وَ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قالَ الْكافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۴) آن‌ها تعجب کردند که پیامبر بیم‌دهنده‌ای از میان آنان به سویشان آمده؛ و کافران گفتند: این ساحر بسیار دروغگویی است!

أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ (۵) آیا او بجای اینهمه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟! این به‌راستی چیز عجیبی است!

وَ انْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (۶) سرکردگان آن‌ها بیرون آمدند و گفتند: «بروید و خدایانتان را محکم بچسبید، این چیزی است که خواسته‌اند (شما را گمراه کنند)!

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلاَّ اخْتِلاقٌ (۷) ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده‌ایم؛ این تنها یک آئین ساختگی است!

یا اگر بخواهد آن‌ها را به خاطر اعمالی که سرنشینانش مرتکب شده‌اند نابود می‌سازد؛ و در عین حال بسیاری را می‌بخشد.

**ششم: انواع صبر:**

**اقسام صبر**

صبر در یک تقسیم‌بندی کلی به دو قسم تقسیم می‌شود:

## ۱. صبر بدنی

صبر بدنی در مقابل مشقت‌هایی است که بر بدن و جسم انسان وارد می‌شود. این صبر یا با عمل تحقق می‌یابد، مثل قیام به عبادات مشکل، یا با تحمل و استقامت، مثل صبر بر کتک‌های شدید، امراض بزرگ و جراحات هولناک که قرآن کریم درباره‌ی صبر ایوب نبی در برابر امراض و مصیبت‌هایش این گونه از او یاد می‌کند:

«وَأَذْكُرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ... إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا» (ص/۴۱ و ۴۴).

«و به خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!) شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است... ما ایوب را شکیبیا یافتیم.»  
حضرت ایوب (ع) یکی از انبیاء بزرگ الهی است که دارای مال و فرزندان فراوان و بسیار اهل بخشش بود. او مورد امتحان‌های سخت الهی قرار گرفت؛ اموال او از بین رفت، فرزندان او هلاک شدند، بدن او دچار امراض سخت شد؛ اما او در برابر کوه مصائب و مرض‌های شدیدی که بر او وارد شد، صبر نمود و هیچ شکایتی نکرد؛ لذا به‌عنوان اسوه و الگوی صبر شناخته شد. (المیزان، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۷، ص ۲۰۸-۲۰۹).

## ۲. صبر نفسی

یکی از اقسام صبر، صبر در مقابل شهوات نفسانی است که قرآن این گونه بیان کرده است:  
«فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَ آتَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا... وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَىٰ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ...» (نازعات/۳۷ و ۴۰)

«اما آن کسی که طغیان کرده و زندگی دنیا را مقدم داشته... و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد...»

این آیه به دو گروه از انسان‌ها اشاره دارد که یک گروه از آن‌ها در مقابل هوای نفس خود سر فرود آورده و در مقابل زرق و برق آن، صبر خود را از کف داده؛ اما گروه دیگر به خاطر ترس از مقام پروردگار خویش، نفس خویش را حبس نموده و صبر را پیشه‌ی خود می‌سازد. (تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۰۷، ۱۰۹ و ۱۱۰)

### هفتم: آثار و نتایج صبر: (نشانه‌های خدا برای صابران)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۵) ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم): قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و «آیام الله» را به آنان یاد آور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار! (ابراهیم/۵)

لَقَدْ كَانَ لِسَبَا فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ (۱۵) برای قوم «سبا» در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان؛ و به آن‌ها گفتیم): از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)!

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶) اما آن‌ها (از خدا) روی گردان شدند و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم و دو باغ (پربرکت) شان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گر و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم!

ذَلِكَ جَزَاءُ مَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ (۱۷) این کیفر را به خاطر کفرانشان به آن‌ها دادیم؛ و آیا جز کفران کننده را کیفر می‌دهیم؟!

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِيٍّ وَ أَيَّامًا آمِنِينَ (۱۸) و میان آن‌ها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادی‌های آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آن‌ها را به‌طور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم): شب‌ها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید!

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَ مَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۱۹) ولی (این ناسپاس مردم) گفتند: «پروردگارا! میان سفرهای ما دوری بیفکن» (تا بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند! و به این طریق) آن‌ها به خویشان ستم کردند! و ما آنان را داستانهایی (برای عبرت دیگران) قرار

دادیم و جمعیتشان را متلاشی ساختیم؛ در این ماجرا، نشانه‌های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است. (سبا/۱۹-۱۵)

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (۳۰)

هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند!

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۳۱)

و شما هرگز نمی‌توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید؛ و غیر از خدا هیچ ولی و یآوری برای شما نیست.

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۳۲)

از نشانه‌های او کشتیهایی است که در دریا همچون کوه‌ها به نظر می‌رسند!

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۳)

اگر او اراده کند، باد را ساکن می‌سازد تا آن‌ها بر پشت دریا بی‌حرکت بمانند؛ در این نشانه‌هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار! (شوری/۳۳-۳۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۱) آیا ندیدی کشتیها بر (صفحه) دریاها به فرمان خدا و به (برکت) نعمت او حرکت می‌کنند تا بخشی از آیاتش را به شما نشان دهد؟! در اینها نشانه‌هایی است برای کسانی که شکیبیا و شکرگزارند! (لقمان/۳۱)

## هشتم: زمان و مکان صبر:

### حجرات:

إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴)

(ولی) کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند، بیشترشان نمی‌فهمند!

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵)

اگر آن‌ها صبر می‌کردند تا خود به سراغشان آیی، برای آنان بهتر بود؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است!

### نهم: مراتب صبر:

#### مراتب صبر

بنابر روایات نقل شده از پیامبر اکرم (ص)، صبر دارای مراتب سه گانه است: (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۹۱).

#### ۱. صبر بر مکروهات و مصائب

شکیبایی انسان در برابر حوادث تلخ و ناگوار مثل خسارات مالی، مرگ عزیزان، بیماری و... از جمله مراتب صبر است که قرآن کریم از آن این گونه یاد کرده است:

«وَلْيَتْلُوَنكُمْ بَشِيرٌ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۵-۱۵۶).

«قطعاً همه‌ی شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! آن‌ها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: ما از آن خدائیم و به سوی او بازمی‌گردیم!»

يَا بَنِي آدِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُؤًا بِالْمَعْرُوفِ وَانَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷)

پسرم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصایبی که به تو

می‌رسد شکیبیا باش که این از کارهای مهم است! (لقمان/۱۷)

در این آیات خداوند، به کسانی که در برابر مصائب و مکروهات، صبر پیشه کرده‌اند، بشارت می‌دهد؛ چراکه آنان مالکیت حقیقی را از آن خدا می‌دانند و او را صاحب حق هرگونه تصرفات در عالم به حساب می‌آورند؛ پس به‌طورقطع چنین کسی از وارد شدن مصائب و مشکلات متأثر نمی‌گردد. (أطیب البیان، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۱).



همچنین در پیام تربیتی حضرت لقمان به فرزندش دعوت به صبر آمده است و صبر را از کارهای مهم شمرده است.

## ۲. صبر بر طاعت

تکالیفی که خدای متعال بر عهده‌ی بندگان قرار داده، با دشواری‌هایی همراه است؛ لذا ممکن است انسان به خاطر دشواری در انجام آن کوتاهی کرده و آن را ترک کند؛ از این رو قرآن کریم انسان‌ها را به صبر بر امتثال وظایف دینی توصیه کرده است: (من هدی القرآن، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۷۷).

«رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ» (مریم/۶۵). «همان پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد! او را پرستش کن و در راه عبادتش شکیبیا باش!»

## ۳. صبر در معصیت

بالاترین مرحله از صبر، صبر بر معصیت است و آن ایستادگی در برابر شعله‌های سرکش شهوات و هیجان‌های برخاسته از هوی و هوس و یا مقامات دنیوی است؛ چراکه بیشتر انسان‌ها در برابر فقر و گرفتاری طغیان نمی‌کنند؛ ولی وقتی خدا مقام، پول و صحت بدن بدهد، آن وقت خیلی سخت است که خودش را سالم نگه دارد و صبر پیشه کند و این نعمت موجب غفلت و معصیت او نگردد. از این قسم به صبر بر نعمت نیز تعبیر می‌کنند. (تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۳). قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وَلَكِنَّ أَذْقَنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتَهُ لِيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (هود/۱۰ و ۱۱).

«و اگر بعد از شدت و رنجی که به او رسیده، نعمت‌هایی به او بچشانیم، می‌گوید: مشکلات از من برطرف شد و دیگر باز نخواهد گشت! و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می‌شود... مگر آن‌ها که (در سایه‌ی ایمان راستین)، صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند.»

صبر در برابر معصیت‌ها و هوای نفس آن‌قدر عظیم است که حتی یوسف نبی (ع) نیز خود را از شر آن ایمن ندانسته و به خدا پناهنده می‌شود: (التبیان، ج ۶، ص ۱۵۵)  
«وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» (یوسف/۵۳)  
«من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدیها امر می‌کند، مگر آنچه را پروردگارم رحم کند!»

یوسف (ع) فرزند یعقوب نبی (ع) که در کودکی مورد حسد برادران خود قرار گرفت و با بی‌رحمی او را در چاه انداختند، سپس به بهایی اندک فروختند؛ و در مصر نیز به دلیل رد درخواست نامشروع همسر عزیز مصر و دیگر زنان مصری، سال‌ها به زندان افتاد، اما در برابر همه‌ی این مصائب صبر پیشه کرد و بر خدا توکل نمود. (انوار درخشان، ۱۴۰۴ ق، ج ۹، ص ۹)

حضرت یعقوب (ع) نیز در برابر این مصیبت صبر پیشه می‌کند و خود را از ناسپاسی و کفران دور می‌دارد:

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (۱۸)

و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند؛ گفت: «هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبایی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت؛ و در برابر آنچه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم!»

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۸۳)

(یعقوب) گفت: «(هوای) نفس شما، مسأله را چنین در نظرتان آراسته است! من صبر می‌کنم، صبری زیبا (و خالی از کفران)! امیدوارم خداوند همه آن‌ها را به من بازگرداند؛ چرا که او دانا و حکیم است! (یوسف/۱۸ و ۸۳)

## دهم: پاداش صبر:

### ۱- بهشت

وعده‌ای که خداوند در قرآن برای صابرين در نظر گرفته است آن‌هم با اعمالی پسندیده و قابل تأمل در صبر مانند به پا داشتن نماز، انفاق از مال دنیا در پنهان و آشکار و نیکی در عوض اعمال بد دیگران ...

لِّلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَاقْتَدُوا بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمُ جَهَنَّمُ وَبئسَ الْمِهَادُ (۱۸)

برای آن‌ها که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، (سرانجام و) نتیجه نیکوتر است؛ و کسانی که دعوت او را اجابت نکردند، (آنچنان در وحشت عذاب الهی فرو می‌روند که) اگر تمام آنچه روی زمین است و همانندش، از آن آن‌ها باشد، همه را برای رهایی از عذاب می‌دهند! (ولی از آن‌ها پذیرفته نخواهد شد!) برای آن‌ها حساب بدی است؛ و جایگاهشان جهنم و چه بد جایگاهی است!

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ الْأَلْبَابِ (۱۹)

آیا کسی که می‌داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند...

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (۲۰)

آن‌ها که به عهد الهی وفا می‌کنند و پیمان را نمی‌شکنند...

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (۲۱)

و آن‌ها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می‌دارند؛ و از پروردگارشان می‌ترسند؛ و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند...

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا زَكَاةً سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَ

يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (۲۲)

و آن‌ها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند؛ و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست...

جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ (۲۳) (همان) باغ‌های جاویدان بهشتی که وارد آن می‌شوند؛ و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آن‌ها؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند...

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (۲۴)

(و به آنان می‌گویند): سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام

آن سرا (ی جاویدان)! (سوره‌ی رعد آیات ۲۴-۱۸)

بر اساس این آیه، ملائکه الهی نیز اهل بهشت را به دلیل صبرشان می‌ستایند. اگر ملائکه الهی، بهشتیان را از میان همه خصایص به واسطه صبرشان مورد ستایش و سلام قرار می‌دهند، به این دلیل است که همه خوبی‌ها به کمک صبر شده و همچنین تمام زشتی‌ها و پلیدی‌ها به مدد صبر و استقامت است که از انسان دور می‌شوند و اگر این موهبت الهی نبود، نه کسب هیچ خیر و خوبی میسر بود و نه دوری از هر شر و بدی. (اخلاق کریمان، ص ۱۸)

قُلْ أُوْثِقْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۱۵)

بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند، (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند)، در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغ‌هایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست.

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۶)

همان کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم؛ پس گناهان ما را بیامرز و ما را از عذاب آتش، نگاهدار!»

الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (۱۷)

آن‌ها که (در برابر مشکلات و در مسیر اطاعت و ترک گناه)، استقامت می‌ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع و (در راه او) انفاق می‌کنند و در سحرگاهان، استغفار می‌نمایند. (سوره‌ی آل عمران آیات ۱۷-۱۵)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵)

به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است،

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶)

از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند و از هر جا بخواهند آن را جاری می‌سازند!

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷)

آن‌ها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می‌ترسند،

وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا (۸)

و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر»

می‌دهند!

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَآ نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَآ شُكُورًا (۹)

(و می‌گویند): ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما

نمی‌خواهیم!

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوسًا قَمَطِرًا (۱۰)

ما از پروردگارمان خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است!

فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ سُورًا (۱۱)

(به خاطر این عقیده و عمل) خداوند آنان را از شرّ آن روز نکه می‌دارد و آن‌ها را

می‌پذیرد در حالی که غرق شادی و سرورند!

وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا (۱۲)

و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آنها پاداش می‌دهد!

مُسْكِينٍ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۱۳)

این در حالی است که در بهشت بر تختهای زیبا تکیه کرده‌اند، نه آفتاب را در آنجا

می‌بینند و نه سرما را!

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (۱۴)

و در حالی است که سایه‌های درختان بهشتی بر آنها فرو افتاده و چیدن میوه‌هایش

بسیار آسان است!

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآبِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا (۱۵)

و در گرداگرد آنها ظرف‌هایی سیمین و قدحهایی بلورین می‌گردانند (پر از بهترین

غذاها و نوشیدنی‌ها)،

قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا (۱۶)

ظرف‌های بلورینی از نقره که آنها را به اندازه مناسب آماده کرده‌اند!

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا (۱۷)

و در آنجا از جام‌هایی سیراب می‌شوند که لبریز از شراب طهوری آمیخته با زنجبیل

است،

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (۱۸)

از چشمه‌ای در بهشت که نامش سلسبیل است!

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا (۱۹)

و بر گردشان (برای پذیرایی) نوجوانانی جاودانی می‌گردند که هرگاه آنها را ببینی

گمان می‌کنی مروارید پراکنده‌اند!

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا (۲۰) و هنگامی که آنجا را ببینی نعمتها و

ملک عظیمی را می‌بینی!

عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱)

بر اندام آن‌ها [بهشتیان] لباس‌هایی است از حریر نازک سبزرنگ و از دیبای ضخیم و با دستبندهایی از نقره آراسته‌اند و پروردگارشان شراب طهور به آنان می‌نوشاند!

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا (۲۲)

این پاداش شماست و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است!

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (۲۳)

مسلماً ما قرآن را بر تو نازل کردیم!

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (۲۴)

پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکیبا (و با استقامت) باش و از هیچ

گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن!

وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۲۵)

و نام پروردگارت را هر صبح و شام به یاد آور!

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۶)

و در شبانگاه برای او سجده کن و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی!

(سوره‌ی انسان آیات ۲۶-۵)

فصلت) إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (۳۰)

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند،

فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «ترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن

بهشتی که به شما وعده داده شده است!

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا

تَدْعُونَ (۳۱)

ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم؛ و برای شما هر چه دلتان بخواهد در بهشت فراهم است و هر چه طلب کنید به شما داده می‌شود!

نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ (۳۲) (فصلت/۳۲-۳۰)

این‌ها وسیله پذیرایی از سوی خداوند غفور و رحیم است!

وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (۲۲) (رعد/۲۲)

و آن‌ها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند؛ و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست...

وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكْبَرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (۱۴۶)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آن‌ها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد.

وَ مَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ اسْرَأَفْنَا فِي أَمْرِنَا وَ نَبْتَ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۱۴۷)

سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندرویهای ما در کارها، چشم‌پوشی کن! قدم‌های ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان! فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ حَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۴۸)

از این‌رو خداوند پاداش این جهان و پاداش نیک آن جهان را به آن‌ها داد؛ و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (آل عمران/۱۴۸-۱۴۶)

## ۲- حکمرانی بر مشرق و مغرب

وعده‌ای که خداوند در سوره اعراف آورده است.



در این آیه شریفه ضمن یادآوری اینکه خدا کمک می‌کند و از او باید درخواست کرد و در کنار این درخواست یادآور می‌شود که زمین از آن خداوند است و به هر کسی که بخواهد هدیه می‌کند به شرط ایمان یعنی یک عزت جهانی.

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۱۳۶)

سرانجام از آن‌ها انتقام گرفتیم و آنان را در دریا غرق کردیم؛ زیرا آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند.

وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (۱۳۷)

و مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم؛ و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به خاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت؛ و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخهای مجلل) می‌ساختند و آنچه از باغهای داربست‌دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم!

وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۱۳۸)

و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم؛ (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت‌هایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان‌گونه که آن‌ها معبودان (و خدایانی) دارند!» گفت: «شما جمعیتی جاهل و نادان هستید!

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُم فِيهِ وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۳۹)

این‌ها (را که می‌بینید)، سرانجام کارشان نابودی است؛ و آنچه انجام می‌دهند، باطل (و بیهوده) است.

قَالَ أَعْبَدُ اللَّهَ أُنْعِمُكُمْ إِلَهًا وَ هُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۴۰)

(سپس) گفت: «آیا غیر از خداوند، مبعودی برای شما بطلبیم؟! خدایی که شما را بر جهانیان (و مردم عصرتان) برتری داد!» (سوره‌ی اعراف آیات ۱۴۰-۱۳۶)

### ۳- اجر اکبر و کبیر

این وعده خدا در سوره نحل و سوره هود آمده است.

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ  
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

آن‌ها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آن‌ها می‌دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند!  
الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۴۲)  
آن‌ها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

این اجر را که در آیه شریفه یاد شده است و در سایه توکل هم شامل دنیا و هم آخرت می‌گردد در مقابل کسانی است که در راه دین صبر نموده‌اند. (سوره‌ی نحل آیات ۴۱-۴۲)

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۱)  
مگر آن‌ها که (در سایه ایمان راستین)، صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند؛ که برای آن‌ها، آمرزش و اجر بزرگی است! (سوره‌ی هود آیه ۱۱)

### ۴- غرفه‌های بهشت

سوره فرقان می‌باشد. باز هم در مقابل صبر بر عبادت خداوند غرفه‌هایی از بهشت را به صابرين این اعمال اختصاص داده است اما باید یک فرقی بین اعطای بهشت و غرفه‌هایی از آن در میان باشد به نظرم می‌رسد غرفه‌های بهشت جایگاه‌های مخصوص و خاصی است که دارای ایمانی خاص باشند.

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا  
(۶۳)

بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند)؛

وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (۶۴)

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند؛  
وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (۶۵)  
و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذابش سخت و پر دوام است!

آن‌ها سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۶۶)

مسلماً آن (جهنم)، بد جایگاه و بد محل اقامتی است!  
وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۶۷)  
و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (۶۸)

و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونسش را حرام شمرده، جز به حق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید!

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا (۶۹)

عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد و همیشه با خواری در آن خواهد ماند!  
إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۷۰)  
مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند که

خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (۷۱)

و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، به سوی خدا بازگشت می‌کند (و پاداش خود را از او می‌گیرد).

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (۷۲)

و کسانی که شهادت به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳)

و کسانی که هرگاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی‌افتند.

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷۴)

و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!»

أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا (۷۵)

(آری)، آن‌ها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می‌شود؛ و در آن، با تحیت و سلام روبه‌رو می‌شوند.

خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَاتٍ مُّسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۷۶)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه قرارگاه و محل اقامت خوبی! (سوره‌ی فرقان آیات ۷۶-۶۳)

## ۵- مضاعف شدن پاداش:

سوره قصص می‌باشد. در این آیه باز صبر در برابر بدیهاست باید با صبوری انجام پذیرد لیکن مضاعف شدن این خیر به صورتی تصاعدی است نه دو برابر و در صورتی محقق می‌گردد که خداوند انفاق ما را ببیند.

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

کسانی که قبلاً کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم به آن [قرآن] ایمان می‌آورند!

وَإِذَا يَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (۵۳)

و هنگامی که بر آنان خوانده شود می‌گویند: «به آن ایمان آوردیم؛ این‌ها همه حق

است و از سوی پروردگار ماست؛ ما پیش از این هم مسلمان بودیم!»

أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَذَرُونَّ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

يُنْفِقُونَ (۵۴)

آن‌ها کسانی هستند که به خاطر شکیبایی‌شان، اجر و پادششان را دو بار دریافت

می‌دارند؛ و به وسیله نیکی‌ها بدی‌ها را دفع می‌کنند؛ و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق

می‌نمایند؛ ( )

#### ۶- مقام یقین:

سوره سجده می‌باشد. رهبری و هدایت برخی از مردم توسط برخی دیگر انجام می‌شود و رساندن مردم به خداوند و هدایت آنان تحفه‌ای است که خداوند به عهده همه قرار داده است و این هدایت و رهبری انسان را به مقام یقین به خداوند هدایت می‌کند و این هدیه نسب است نه مطلق.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَ جَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۳)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و شک نداشته باش که او آیات الهی را دریافت

داشت؛ و ما آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم!

وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۲۴)

و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند؛

چون شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند. (سوره‌ی قصص آیات ۵۴-۵۲)

## ۷- مقام بلند:

سوره فصلت می‌باشد. این مقام با دو صفت حاصل می‌گردد اول صبر در مقابل بدی‌ها و در تکمیل دین که قبلاً یادآوری شده و دوم شناخت و معرفت نسبت به خداوند است و حس این معنا که خداوند نزدیک به انسان است و باور اینکه نظارت خداوند همیشه شامل حال انسان است، پس بخواهیم که خداوند این نظارت خویش را از هیچ انسانی نگیرد که غفلت ما از خداوند و توجه نکردن خداوند مهربان به ما از سخت‌ترین عذاب‌های روز قیامت است بخواهیم که آن و کمتر از آنی ما را به خودمان مگذار که این واگذاری مساوی است با ذلت و بدبختی نوع بشر و از طرفی نظارت خداوند به انسان چنانکه درک شود حظ وافری است که درون آدمی را پر از شادابی و نشاط خواهد کرد.

مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۳۵)

اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند به این مقام نمی‌رسند و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نائل نمی‌گردند!

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۶)

و هرگاه وسوسه‌هایی از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه بخواه که او شنوده و داناست! (فصلت ۳۶-۳۵)

## ۸- امداد الهی:

در سوره انفال و سوره آل عمران به این پاداش اشاره شده است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آن‌ها گروهی هستند که نمی‌فهمند!

الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶) (انفال ۶۶-۶۵)

هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند؛ و اگر یکهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است!

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ  
(۱۲۴)

در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟!»

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (۱۲۵)

آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! (آل عمران ۱۲۴-۱۲۵)

## ۹- پاداش براساس بهترین اعمال و مشمول رحمت الهی شدن:

درسوره ی نحل، سوره انبیا و سوره ی زمزمی باشد.

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۹۴)

سوگندهایتان را وسیله تقلب و خیانت در میان خود قرار ندهید، مبادا گامی بعد از ثابت گشتن (بر ایمان) متزلزل شود؛ و به خاطر بازداشتن (مردم) از راه خدا، آثار سوء آن را بچشید! و برای شما، عذاب عظیمی خواهد بود!

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹۵)  
و (هرگز) پیمان الهی را با بهای کمی مبادله نکنید (و هر بهایی در برابر آن ناچیز است!) آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است اگر می‌دانستید.

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۶)

آنچه نزد شماست فانی می‌شود؛ اما آنچه نزد خداست باقی است؛ و به کسانی که صبر و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۷)

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَ صَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۱۰)

اما پروردگار تو نسبت به کسانی که بعد از فریب خوردن، (به ایمان بازگشتند و) هجرت کردند؛ سپس جهاد کردند و در راه خدا استقامت نمودند؛ پروردگارت، بعد از انجام این کارها، بخشنده و مهربان است (و آن‌ها را مشمول رحمت خود می‌سازد).

(نحل/۹۷-۹۳ و ۱۱۰)

وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِدْرِيسَ وَ ذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ (۸۵)

و اسماعیل و ادريس و ذالكفل را (به یاد آور) که همه از صابران بودند.

وَ أَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۸۶)

و ما آنان را در رحمت خود وارد ساختیم؛ چرا که آن‌ها از صالحان بودند. (انبیا/۸۶-)

(۸۵)

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ

وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۱۰)

بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت) پروردگارتان پرهیزید! برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است! و زمین خدا وسیع است، (اگر تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند! (زمر/۱۰)



#### ۱۰- مقام محسنین:

در سوره‌ی یوسف می‌باشد.

قَالُوا أَيْنَكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۹۰) گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: «(آری)، من یوسفم و این برادر من است! خداوند بر ما منت گذارد؛ هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود)؛ چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!»

در داستان حضرت یوسف که زیبایی روی یوسف باعث حسادت گردید و یوسف را در کوره زندگی آبدیده کرد و در مقابل این حوادث تقوی الهی را پیشه کرد اجر محسنین یافت. (یوسف/۹۰)

#### ۱۱- بینایی زیاد:

در سوره‌ی لقمان می‌باشد. أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۱)

آیا ندیدی کشتیها بر (صفحه) دریاها به فرمان خدا و به (برکت) نعمت او حرکت می‌کنند تا بخشی از آیتش را به شما نشان دهد؟! در اینها نشانه‌هایی است برای کسانی که شکیبا و شکر گزارند! (لقمان/۳۱)

#### ۱۲- نشان ایمان:

در سوره‌ی عصر این پاداش آمده است. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

که انسان‌ها همه در زیانند؛

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش

کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند! (عصر/۲-۳)

### ۱۳- دوستی خداوند:

در سوره‌ی آل عمران به این پاداش اشاره شده است.

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبُّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (۱۴۶)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آن‌ها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد. (آل عمران ۱۲۶)

### ۱۴- ذکر و یاد آوری:

در سوره‌ی ابراهیم به این پاداش اشاره شده است.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴) ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم؛ تا (حقایق را) برای آن‌ها آشکار سازد؛ سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌کند؛ و او توانا و حکیم است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۵)

ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم): قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و «ایام الله» را به آنان یاد آور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار! (ابراهیم/۴-۵)

### ۱۵- نصرت:

در سوره‌های بقره و انفال به این پاداش اشاره شده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۱۵۳) ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است.

لَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً عَلَبْتَ فِتْنَةً كَثِيرَةً يَا ذُنَّ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۲۴۹) و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آن‌ها گفت: «خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می‌کند؛ آن‌ها (که به هنگام تشنگی)، از آن بنوشند، از من نیستند؛ و آن‌ها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند» جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او و افرادی که با او ایمان آورده بودند، (و از بوته آزمایش، سالم به در آمدند)، از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرت خود، ناراحت شدند؛ و عده‌ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با (\*جالوت\*) و سپاهیان او را نداریم.» اما آن‌ها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستخیز، ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان) است. (بقره/۱۵۳ و ۲۳۹)

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۴۶)

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است!

الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ يَا ذُنَّ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶)

هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می‌شوند؛ و اگر یکهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است! (انفال ۴۶ و

## ۱۶- عزم ثابت:

در سوره لقمان، شوری، زمر و آل عمران به این پاداش اشاره شده است.

يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷)

پسرم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این نشانه عزم ثابت در امور عالم است. (لقمان/۶)

در امر تربیت و هدایت مردم با کمی دقت می‌توان نتیجه گرفت که وظیفه خطیر و بزرگ پیامبر اکرم تربیت و هدایت مردم است، بر عهده تک تک جامعه به عنوان عضوی از یک ملت و یا بهتر است بگوییم یک امت واحد نهاده شده و هم چنین اهمیت ویژه نماز برای رسیدن به اهداف تربیتی و هدایتی در نظر گرفته و ماحصل این امر عزم ثابتی می‌طلبد.

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۴۳)

اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پرارزش است! (شوری/۴۳)  
لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أذىً كَثِيراً وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶)

به یقین (همه شما) در اموال و جان‌های خود، آزمایش می‌شوید! و از کسانی که پیش از شما به آن‌ها کتاب (آسمانی) داده شده [یهود] و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید! و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته‌تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است. (آل عمران ۱۸۶)

## ۱۷- دریافت اجر بی حساب:

این پاداش در سوره زمر آمده است.

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۱۰)

بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است! و زمین خدا وسیع است، (اگر

تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند! (زمر / ۱۰)

وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لِيُوقَفَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱۱)

و پروردگارت اعمال هر یک را بی کم و کاست به آن‌ها خواهد داد؛ او به آنچه عمل می‌کنند آگاه است!

فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۲)

پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنين کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند) ! و طغیان نکنید که خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند! (سوره هود)

وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى (۱۳۲)

خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شککیا باش! از تو روزی نمی‌خواهیم؛ (بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست! (سوره طه)

### یازدهم (نمونه صابران) :

داستان‌های انبیا و سرگذشت رهبران بزرگ جامعه انسانی، زیان‌های عجله و ثمرات شیرین صبر و بردباری را آشکار می‌کند. خدا به افراد صابر اشاره می‌کند و از آنان به عنوان الگوهای صبار بودن نام می‌برد که این افراد به شرح زیر می‌باشند:

**الف) حضرت داوود (ع) :** اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۱۷)

در برابر آنچه می‌گویند شککیا باش و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را که او بسیار توبه‌کننده بود! (سوره ص آیه ۱۷)

**ب) پیامبران اولوالعزم: فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ** (۳۵)

پس صبر کن آن گونه که پیامبران «أولو العزم» صبر کردند و برای (عذاب) آنان شتاب مکن! هنگامی که وعده‌هایی را که به آن‌ها داده می‌شود ببینند، احساس می‌کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف داشتند؛ این ابلاغی است برای همگان؛ آیا جز قوم فاسق هلاک می‌شوند؟! (سوره احقاف آیه ۳۵)

**ج) حضرت یعقوب (ع): وَ جَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ** (۱۸)

و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند؛ گفت: «هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبایی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت؛ و در برابر آنچه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم!»

**قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ** (۸۳)

(یعقوب) گفت: «(هوای) نفس شما، مسأله را چنین در نظرتان آراسته است! من صبر می‌کنم، صبوری زیبا (و خالی از کفران) ! امیدوارم خداوند همه آن‌ها را به من بازگرداند؛ چرا که او دانا و حکیم است! (سوره یوسف آیات ۱۸ و ۸۳)

**د) حضرت ایوب (ع): وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ** (۴۱)

و به خاطر بیاور بنده ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!) شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است.  
ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ (۴۲)

(به او گفتیم): پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است!

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولَى الْأَلْبَابِ (۴۳)

و خانواده‌اش را به او بخشیدیم و همانند آن‌ها را بر آنان افزودیم تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای اندیشمندان.

وَاخَذَ بِهِ يَدَكَ ضِعْفًا فَأَضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۴۴)  
(و به او گفتیم): بسته‌ای از ساقه‌های گندم (یا مانند آن) را بگیر و با آن (همسرت را) بزن و سوگند خود را مشکن! ما او را شکبیا یافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود! (سوره ص آیات ۴۴-۴۱)

### ه) حضرت ابراهیم (ع) حضرت اسماعیل (ع) ذوالکفل:

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ (۸۵)

و اسماعیل و ادريس و ذالکفل را (به یاد آور) که همه از صابران بودند.

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۸۶)

و ما آنان را در رحمت خود وارد ساختیم؛ چرا که آن‌ها از صالحان بودند. (سوره

انبیاء آیات ۸۶-۸۵)

فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ (۱۰۱) ما او [ابراهیم] را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم!  
فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا  
أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲)

هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟» گفت «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت! (سوره صافات آیه ۱۰۱ و ۱۰۲)

### و) حضرت یونس (ع): فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ

مَكْطُومٌ (۴۸)

اکنون که چنین است صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش و مانند صاحب ماهی [یونس] مباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد) در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند. (سوره قلم آیه ۴۸)

ز) حضرت خضر و حضرت موسی (ع): قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلِيَانِ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا \* قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا \* وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلٰى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا \* قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (كهف/۶۹-۶۶)

حضرت موسی (علیه السلام) به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» - گفت: «تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی. - و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی، شکیبایی باشی؟» - حضرت موسی (علیه السلام) گفت: «به خواست خدا مرا شکیبایی خواهی یافت و در هیچ کاری با فرمان تو مخالفت نخواهم کرد».

سخن از داستان حضرت خضر (علیه السلام) و حضرت موسی (علیه السلام) است، البته قرآن تعبیر به «خضر» نکرده، بلکه تنها به عنوان «عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا» بنده برگزیده‌ای از بندگان ما» از او یاد کرده است.

آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد، این است که حضرت موسی (علیه السلام) در یک مأموریت ویژه‌ای، به دنبال فراگیری بخشی از علوم، نزد حضرت خضر (علیه السلام) آمد؛ علمی که با آنچه تا آن روز از طریق وحی دریافته بود، متفاوت بود. علمی که مربوط به اسرار و حقایق مخفی جهان و زندگی انسان‌ها بود که باید پیامبر اولوالعزمی همانند حضرت موسی (علیه السلام) لا اقل بخشی از آن را فراگیرد تا دیدگاه‌هایش در مسائل انسانی و اجتماعی کمی شفاف‌تر گردد.

حضرت خضر در برابر درخواست حضرت موسی (علیه السلام) گفت: که تو صبر و تحمل در برابر کارهای من نداری؛ زیرا از عمق قضایا آگاه نیستی؛ ولی حضرت موسی (علیه السلام) قول داد که صبر و تحمل و بردباری را پیشه کند و از عجله و شتاب پرهیزد. حضرت خضر (علیه السلام) با او شرط کرد که اگر به دنبال من می‌آیی، باید هر چه را



می‌بینی، سکوت کنی، هر چند ظاهراً کار زنده‌ای باشد و بدان حکمتی دارد که من به موقع، تو را از آن آگاه می‌کنم. «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا... - قَالَ فَإِنْ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْئَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا» (کهف ۶۵-۷۰)

به این ترتیب حضرت خضر (علیه‌السلام) اصرار داشت که روح صبر و بردباری را در برابر مسائل مختلف در حضرت موسی (علیه‌السلام) پرورش دهد و او را از «عجله و شتاب» (مخصوصاً عجله در قضاوت، آن هم در مورد کارهای مردان بزرگ) باز دارد.

با این قول و قرار، آن‌ها به راه افتادند و در مسیر خود ناچار بودند با کشتی از دریا بگذرند. در میان دریا حضرت موسی (علیه‌السلام) با تعجب دید که حضرت خضر (علیه‌السلام) مخفیانه کشتی را سوراخ می‌کند. حضرت موسی (علیه‌السلام) از این کار بر آشفت و زبان به اعتراض گشود و هنگامی که حضرت خضر (علیه‌السلام) پیمان خود را با او یاد آورد شد، در مقام عذرخواهی برآمد.

باز به راه خود ادامه دادند؛ ناگهان حضرت خضر (علیه‌السلام) دست به کار عجیب‌تری زد و نوجوانی را که بر سر راه خود دید، به قتل رسانید؛ در اینجا، فریاد حضرت موسی (علیه‌السلام) بلندتر شد که چرا انسان بی‌گناهی را کشتی، این چه کار زشتی بود که انجام دادی؟

حضرت خضر (علیه‌السلام) بار دیگر، پیمان خود را یادآور شد. حضرت موسی (علیه‌السلام) دندان بر جگر گذاشت و مجدداً در مقام عذرخواهی برآمد و گفت: اگر بار سوّم اعتراض کنم، حق‌داری از من جدا شوی.

باز به راه افتادند تا به شهری رسیدند که مردمی بسیار «بخیل» داشت و کمترین پذیرایی را از میهمانان تازه‌وارد نکردند؛ ولی با نهایت تعجب حضرت خضر (علیه‌السلام) شروع به مرمت دیواری نمود که در حال سقوط بود. حضرت موسی (علیه‌السلام) که در بدو نظر، این کار را ابلهانه می‌دید، باردیگر درحالی که تمام عهد و پیمان خود را به فراموشی سپرده بود، به خروش آمد و زبان به اعتراض گشود.

در اینجا حضرت خضر (علیه السلام) درحالی که اسرار هر سه کار خود را برای او شرح می‌داد و حقایق جالبی را که از نظر حضرت موسی (علیه السلام) پنهان بود، برایش بیان می‌کرد و حضرت موسی (علیه السلام) را به جهان تازه‌ای از اسرار زندگی انسان‌ها وارد می‌ساخت، اعلام جدایی کرد و حضرت موسی (علیه السلام) نیز درحالی که کوله باری از معرفت را با خود حمل می‌کرد با حضرت خضر (علیه السلام) خداحافظی کرد و وداع گفت.

حضرت خضر (علیه السلام) به او گفت: «اگر کشتی را سوراخ کردم، به این دلیل بود که می‌خواستم آن را ظاهراً از کار بیندازم؛ زیرا حاکم ستمکاری وجود داشت که هرگاه کشتی سالمی را می‌یافت مصادره می‌کرد. من خواستم صاحبان این کشتی که گروهی بینوا بودند، کشتی خود را از دست ندهند».

دیگر این که اگر آن نوجوان را کشتم، به خاطر این بود که او جوانی بی‌ایمان و خطرناک و سرکش بود که کم‌کم پدر و مادر خویش را نیز به کفر و بدبختی می‌کشاند. خدا می‌خواست، این جوان هرزه بی‌مصرف ستمگر را از آن‌ها بگیرد و فرزندی باایمان و مهربان به آن‌ها عطا کند.

اما تعمیر آن دیوار در حال سقوط، به خاطر آن بود که در زیر آن، گنجی متعلق به دو کودک یتیم بود که پدر صالح و باایمانشان برای آن‌ها ذخیره کرده بود، خدا می‌خواست آن‌ها به حدّ رشد برسند و گنج خود را استخراج کنند. من این کارها را از پیش خود نکردم، بلکه همه به فرمان حق بود. (همان/ ۸۲-۶۰)

### دوازدهم: روش‌های افزایش صبر:

وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَ آَنهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (۴۵) از صبر و نماز یاری جوئید؛ (و با استقامت و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید)؛ و این کار، جز برای خاشعان، گران است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۱۵۳) ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است. (بقره/۴۵ و ۱۵۳)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (۲۴) پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکبیا (و با استقامت) باش و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن!  
وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۲۵) و نام پروردگارت را هر صبح و شام به یاد آور!  
وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۶) و در شبانگاه برای او سجده کن و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی! (انسان/۲۶-۲۴)

در سوره مبارکه مریم اعتقاد به خداوند بی‌مانند و پرستش او یکی از راه‌های افزایش صبر عنوان شده است:

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَ اصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (۶۵)  
همان پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد! او را پرستش کن؛ و در راه عبادتش شکبیا باش! آیا مثل و مانندی برای او می‌یابی؟! (مریم/۶۵)

### نتیجه‌گیری

به گفته بعضی از علمای اخلاق، آیات و روایاتی که درباره فضیلت صبر و شکبایی از معصومین (علیهم‌السلام) به ما رسیده، بیش از آن است که به شمارش درآید. و در برخی از کتب که درباره صبر تألیف یافته، نزدیک به ۹۰۰ حدیث از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در این باره آمده است که به‌عنوان نمونه، بخشی از آن‌ها را گلچین نموده‌ایم:

حضرت باقر (ع) در مورد آیه "أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا" (فرقان/۷۶) فرمودند: منظور از عرّفه بهشت است به بهشت می‌رسند به‌واسطه صبوری که بر فتنه‌های دنیا می‌کنند. (بحارالانوار جلد ۱۷ (جلد ۲) صفحه ۱۶۵)

حضرت صادق (ع) فرموده‌اند: کسی که صبر کند؛ پیروز شود. (اصول کافی جلد ۱ صفحه ۳۱)

مولا علی (ع) فرمودند: صبر آن است که انسان مصیبتی را که به او می‌رسد، تحمل کند و خشم خود را فرو برد. (غررالحکم، جلد ۲ حدیث ۱۸۷۴)

امام علی (ع): ریشه صبر، ایمان نیکو و عقیده استوار به خداوند است. (غررالحکم جلد ۲ حدیث ۳۱۸۴)

امام علی (ع) فرمودند: صبر یا بر مصیبت است، یا بر اطاعت خدا، یا در مقابل معصیت است که قسمت سوم صبر که در مقابل معصیت است از دو قسمت قبلی با ارزش تر است. (میزان الحکمه، نشر دفتر تبلیغات اسلامی جلد ۵ حدیث ۱۰۱۰۱)

رسول خدا (ص) فرمودند: صبر چهار شعبه دارد: اشتیاق، هراس، وارستگی و انتظار. پس هر کس مشتاق بهشت است باید از شهوات بیرون برود. و کسی که از آتش می‌ترسد باید از گناهان برگردد و کسی که نسبت به دنیا زهد می‌ورزد، باید گرفتاری را سبک بشمارد و کسی که در انتظار مرگ است باید در کارهای خوب بشتابد. (میزان الحکمه جلد ۵ حدیث ۱۰۱۳۳)

امام علی (ع) فرمودند: صبر در کارها همانند سر در بدن است، همان‌طور که وقتی سر از بدن جدا شود، بدن فاسد می‌شود، هنگامی هم که صبر از کارها جدا شود کارها تباه می‌شود. (بحارالانوار، نشر کتابفروشی اسلامیة، جلد ۷۱ صفحه ۷۳)

امام صادق (ع) فرمودند: عاقبت صبر و شکیبایی خیر است، بنابراین صبر کند تا پیروز شوید. (بحارالانوار جلد ۷۱ حدیث ۹۶)

امام علی (ع) فرمودند تو به آنچه که دوست داری از پروردگارت به تو برسد (بهشت) دست نمی‌یابی مگر اینکه در مقابل خواسته‌های نفسانی مقاومت کنی. (غررالحکم جلد ۳ حدیث ۳۷۹۴)

امام علی (ع) فرمودند: کسی که بر مرکب صبر و بردباری سوار شد به میدان پیروزی خواهد رسید. (بحارالانوار جلد ۷۸ صفحه ۷۹)

امام باقر (ع) فرمودند: کسی که صبر کند و کلمه استرجاع، یعنی (انا لله و انا الیه راجعون) بگوید و هنگام گرفتاری خدا را ستایش کند، پس او از کار خدا خشنود است و

اجرش با خداست و کسی که این چنین نکند، سرنوشت او تغییر نمی‌کند و مذمت می‌شود و پاداش او هم از بین می‌رود. (بحارالانوار جلد ۷۱ صفحه ۹۶)

حضرت محمد (ص) فرمودند: نشانه انسان صبور در سه چیز است: ۱- اینکه کسل نمی‌شود ۲- دل‌تنگ نمی‌شود ۳- از پروردگارش شکایت نمی‌کند، چرا که وقتی کسل شود، حق را ضایع و تباه خواهد کرد و هنگامی که دل‌تنگ شد، سپاسگزاری نمی‌کند و وقتی که از پروردگارش شکایت کند، گناه خواهد کرد. (بحارالانوار جلد ۷۱ صفحه ۸۶)

از رسول خدا (ص) سؤال شد. آیا کسی بدون حساب وارد بهشت می‌شود؟ پیامبر (ص) فرمود: آری هر انسان مهربان و شکیبا بدون حساب وارد بهشت می‌شود. (بحارالانوار جلد ۸۲ صفحه ۱۳۹)

از حضرت صادق (ع) نقل شده که در تفسیر آیه شریفه (واستعينوا بالصبر و الصلوة) فرمود: منظور از صبر روزه است هر گاه برای شخصی پیش آمد سختی شود روزه بگیرد زیرا خداوند می‌فرماید: به وسیله روزه و نماز کمک بگیرید. (وافی جلد ۲ باب صوم صفحه ۶، پند تاریخ جلد ۵ صفحه ۲۴۲)

امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ؛ بر شما باد به صبر و استقامت کردن؛ زیرا صبر نسبت به ایمان، همانند سر به بدن است» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۸۲)

نشان می‌دهد که صبر نقش کلیدی برای تمام ابعاد زندگی انسان دارد، به همین دلیل در ذیل همین حدیث آمده است «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ؛ کسی که صبر و استقامت ندارد، ایمان او پایدار نخواهد ماند».

در حدیث دیگر، همان حضرت (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «لَا يَعْدِمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ؛ شخص صبور، پیروزی را از دست نخواهد داد هر چند طول بکشد». (همان/حکمت ۱۵۳)

با توجه به این که هم صبر مطلق ذکر شده و هم پیروزی، نشان می‌دهد که این حکم در تمام ابعاد معنوی و مادی زندگی انسان‌هاست. روشن است که این حدیث، هیچ منافاتی

با احادیث گذشته ندارد؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، اگر مؤمن صبر نداشته باشد ایمانش به خاطر موانعی که بر سر راه دارد، از بین می‌رود؛ هم‌چنین اگر شاکر نباشد، طبق این بیان (وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ) نعمت‌ها از کفش می‌رود.

امام صادق (علیه‌السلام) درباره صبر در برابر بلاها و حوادث تلخ زندگی، می‌فرمایند: «مَنْ ابْتَلَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِبَلَاءٍ فَصَبَرَ عَلَيْهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ أَلْفِ شَهِيدٍ؛ هر کس از مؤمنان به بلایی گرفتار شود (و) شکیبایی را از دست ندهد، پاداش هزار شهید دارد» (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۹۲)

این‌ها بخش مختصری از آیات و احادیثی است که درباره اهمیت صبر انسان‌ها و پاداش شکیبایان وارد شده است.

## منابع

### قرآن کریم

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، چاپ سوم.  
بانوی اصفهانی امین، سیده نصرت. (۱۳۶۱ ش). *مخزن العرفان فی تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.

حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴ ق). *انوار درخشان*، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی، چاپ اول.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، چاپ اول.

سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۴۰۶ ق). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دارالتعارف، چاپ اول.

سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۴۱۹ ق). *ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالتعارف، چاپ اول.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵ ش). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.

طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲ ش). *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.  
طباطبائی (علامه)، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث.

طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸ ش). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام، چاپ دوم.  
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ ش). *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۱۹ ق). *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین، چاپ اول.  
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

